اعتبار و تداول کتاب الغیبة نعمانی ـ مرتضی نادری
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دهم، شمارهٔ ۳۷ «ویژهٔ حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۷۵ ـ ۱۸۷

اعتبار و تداول کتاب الغیبة نعمانی

مرتضی نادری*

چکیده: موضوع این نوشتار اعتبار کتاب الغیبة نعمانی و تداول آن در میان شیعیان است. این مقاله نشان می‌دهد که اثبات اصالت عقیده به دوازده امام و غیبت امام دوازدهم در احادیث معصومان علیهم‌السلام، از اهداف بنیادین نعمانی در تألیف کتاب الغیبة است. وثاقت مشایخ نعمانی در نقل روایات این دو موضوع، تعدّد طرق این روایات و تأیید آنها با ادلّهٔ عقلی و قرآنی مذکور در این کتاب، نشان‌دهندهٔ اعتبار احادیثی است که نعمانی در اثبات اصالت این دو موضوع نقل کرده‌است. افزون بر اینها، نعمانی خود تصریح نموده که احادیثی را برگزیده و نقل کرده که می‌توان آنها را به معصومان علیهم‌السلام نسبت داد. اعتبار احادیث کتاب الغیبة نعمانی در این دو موضوع، نافی نظریّهٔ ساختگی بودن روایات ائمّهٔ اثناعشر و وامداری امامیّه به واقفه در باب اخبار غیبت است.

کلیدواژه‌ها: نعمانی / کتاب الغیبة / احادیث ائمّهٔ اثناعشر / اخبار غیبت امام دوازدهم.

---

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران. ***Email: Naderi35@yahoo.com***

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۱. اصالت روایات ائمّهٔ اثناعشر و احادیث غیبت امام دوازدهم

کتاب الغیبة، اثر ابوعبدالله، محمّدبن ابراهیم‌بن جعفر، کاتب نعمانی[۱]، معروف به ابن‌زینب (نجاشی، ش ۱۰۴۳) یا ابن‌ابی‌زینب (نوری، ج ۳، ص ۲۶۵)، از مشایخ بلندمرتبت و والامنزلت حدیث شیعه (نجاشی، ش ۱۰۴۳)[۲]، از مهم‌ترین کتابهای روایی امامیّه در موضوع ائمّهٔ اثناعشر و غیبت دوازدهمین امام است.[۳]

انحراف شماری از شیعیان از دو موضوع عقیدتی یادشده، از انگیزه‌های بنیادین نعمانی در تألیف الغیبة است. وی در مقدّمهٔ کتابش، از گروههایی از شیعیان امامی سخن می‌گوید که گرفتار اختلاف عقاید و پراکندگی اقوال شده، برخی‌شان دچار غلوّ، بعضی‌شان مبتلا به تقصیر و شمار بسیاری‌شان اسیر شکّ در امام زمانشان گشته بودند. وی علّت این سرگشتگیها و چنددستگیها را «آزمایش غیبت» می‌داند؛ غیبتی که به اعتقاد نعمانی، رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پیشتر از آن یاد کرده و امیر مؤمنان علیه‌السلام از آن خبر داده و در خطبه‌ها و سخنانش نسبت به این آزمایش سخت، هشدار داده و دانشمندان و راویان حدیث، اخبار آن را از تک‌تک ائمّه روایت کرده‌اند؛ به گونه‌ای که همهٔ امامان از آن سخن گفته و بر وقوع آن تأکید نموده و خاطرنشان کرده‌اند که خدا آفریدگانش را به‌وسیلهٔ این غیبت، خواهد آزمود. (نعمانی، ص ۲۱)

نعمانی در ادامه، سبب این‌گونه حیرتها را بی‌بصیرتی، قلّت روایت وکمی فهم و درایت ذکر می‌کند. (همو، ص ۱۱۶) وی منحرفان از حق را در دسته‌های زیر جای می‌دهد:

۱. کسانی که بدون اندیشه و دانش، در سلک امامیّه در آمدند و با پیش آمدن

---

۱. «نُعْمانی» منسوب به نُعْمانیه، شهری در کنار رود دجله، بین بغداد و واسط است. (سمعانی، ج ۱۳، ص ۱۴۳)

۲. علامه شوشتری در قاموس الرجال می‌نویسد: «عدم عنوان الشیخ في الرجال و الفهرست له غفلة.» (شوشتری، ج ۹، ص ۱۰)

۳. ظاهراً نعمانی کتاب الغیبة را در حدود سال ۳۳۶ هجری، تألیف و در سال ۳۴۲ هجری، در شهر حلب، تحدیث کرده است. (نعمانی، ص ۱۸ و ۱۵۷؛ شبیری زنجانی، الکاتب النعمانیّ و کتابه الغیبة، ص ۱۷۷ ـ ۱۷۸، همو، نعمانی و مصادر غیبت (۴)، ص ۳۹۱ ـ ۳۹۲) نعمانی از شاگردان کلینی بوده (امین، ج ۹، ص ۶۰) و مقایسه میان ابواب امامت و غیبت کافی و غیبت نعمانی، نشان از اثرپذیری نعمانی از کلینی دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

اندک شبهه‌ای، سرگردان گشتند؛

۲. کسانی که از سر دنیاخواهی و رسیدن به متاع بی‌ارزش آن، به تشیّع گرویدند و آن‌گاه که گمراهان و دنیاگرایان ایشان را به سوی دنیا کشیدند، دنیا را بر دین ترجیح دادند و به سوی آن متمایل گشتند؛

۳. کسانی که برای خودنمایی و خودآرایی و ریاست‌طلبی و شهوت و عشق به آن، خود را به زیور تشیّع آراستند، حال آنکه نه باور قلبی بدان داشتند و نه در آن خالص بودند؛ پس خدا آن زیبایی را از آنان ستاند و احوالشان را دگرگون کرد و عذاب را برایشان آماده ساخت؛

۴. کسانی که با ایمان سست، تشیّع را پذیرفتند و دلهایشان در آنچه بر زبان می‌راندند، استوار نبود؛ پس هنگامی که آزمایش غیبت رخ داد ـ آزمایشی که اولیای خدا از سیصد سال پیش ما را بدان آگاه ساخته بودند ـ حیران ماندند. (همو، ص ۲۲ـ۲۳)

در این شرایط، نعمانی برای رضای خدا و در پیروی از سفارشهای معصومان، به هدف زدودن این حیرتها و تردیدها از میان شیعیان و باورمندان به امامت ائمّه، تصمیم می‌گیرد که روایات منقول از امامان، از امیر مؤمنان تا آخرین ایشان، دربارهٔ غیبت امام دوازدهم را نقل کند و در کتابی بنگارد تا مایهٔ بصیرت برادران دینی‌اش گردد و آنان را دانش بیفزاید و راه بنماید و درستی اعتقاد به غیبت را روشن نماید. (همو، ص ۲۳)

نعمانی روایات کتابش را به گونه‌ای منطقی تبویب کرده‌است. کنار هم نهادن عناوین ابواب الغیبة نعمانی، شبیه تألیف چندین گزاره است که از ترتّب منطقی آنها نتایج جدیدی حاصل می‌شود و هدف مؤلّف را از تألیف کتاب، یعنی اثبات امامت ائمه دوازده‌گانه و غیبت دوازدهمین امام، اثبات می‌کند.

باری، دو موضوع ائمّهٔ دوازده‌گانه و غیبت امام دوازدهم، از گذشته تا کنون، محلّ تردید و اشکال بعضی بوده‌است. برای نمونه، استاد محمّدباقر بهبودی، انحرافات شماری از شیعیان از نظام امامت را شاهد ساختگی بودن احادیثی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

می‌داند که در آنها، یکجا به نام دوازده امام تصریح شده‌است (مانند حدیث لوح حضرت فاطمه علیها السلام). نزد ایشان، اگر این احادیث اصالت داشت و نزد امامیّه بود، روایت می‌شد و راه انحرفات را می‌بست. (بهبودی، ص ۱۰۹) شاید استاد بهبودی مبتنی بر همین دیدگاه، باب «**ما جاء في الاثني‌عشر و النصّ عليهم**» الکافی را ـ که مشتمل بر بیست حدیث در اثبات امامت دوازده امام است ـ در صحیح الکافی نقل نکرده‌است.

دکتر مدرّسی طباطبایی پس از یادکرد ماجرای چگونگی توجّه شیعیان به این روایات و گردآوری آنها می‌نویسد: «البتّه برخی از کوته‌فکران در اصالت و صحّت این روایات تردید می‌نمودند. استدلال نادرستی که ایشان داشتند، آن بود که اگر این احادیث صحیح و واقعی است و نام ائمّهٔ اطهار به این روشنی و دقّت از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در واقع از ادوار اوّلیّهٔ خلقت جهان، مشخّص و معلوم بوده‌است، پس چرا آن همه اختلافها بر سر مسئلهٔ جانشینی هر امام، میان شیعیان روی داد و آن همه فرقه که هر یک دنباله‌رو یک مدّعی امامت بودند، پدیدار شدند؟ (مدرّسی طباطبایی، ص ۱۹۶)

استاد مدرّسی طباطبایی، در ادامه، خاطرنشان می‌کند که دانشمندان و محقّقان شیعه به همهٔ این استبعادات پاسخ داده‌اند. وی تأکید می‌کند که «فهرست اسامی مبارکهٔ ائمّهٔ اطهار جزء حقایق افشاشده برای همگان نبود؛ بلکه به هر دلیل، جزء اسراری بود که فقط برخی از محرمان درگاه امامت و رازداران پیشگاه ولایت بر آن آگاه بودند.» (همو، ص ۱۹۸ ـ ۱۹۹. نیز نک: نعمانی، باب «في صون سرّ آل محمّد علیهم السلام عمّن ليس من أهله»)

اصالت احادیث غیبت امام دوازدهم نیز مانند روایات دوازده امام، از سوی برخی، به چالش کشیده شده‌است. اصالت احادیث غیبت و عقیده به آن، در مقابل نظریّه‌ای قرار می‌گیرد که شیعیان امامی را در عقیده به غیبت، دنباله‌رو واقفه و وامدار کتابهای آنان می‌داند.

برای نمونه، دکتر جاسم حسین، در کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، واقفه را در تألیف کتابهای غیبت، نسبت به امامیّه، مقدّم می‌دارد و می‌افزاید که دانشمندان امامی، نظیر صفّار و کلینی و احمدبن علیّ‌بن نوح سیرافی و شیخ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

طوسی، در دوران غیبت صغری، از اطّلاعات کتابهای واقفه در موضوع غیبت، برای حمایت و جانبداری از دیدگاه امامیّه در موضوع مذکور استفاده کرده‌اند. (حسین، ص ۲۱ ـ ۲۲)

امّا پژوهش در پیشینهٔ کتابهای غیبت نشان می دهد که بر خلاف نظریّهٔ یادشده، شیعیان امامی در تألیف کتب غیبت بر واقفه تقدّم دارند. بر اساس گزارشهای نجاشی و شیخ طوسی، شمار مصنّفان شیعهٔ امامی و غیر امامی (واقفی و فطحی و...) که پیش از نعمانی، کتابی در موضوع غیبت تألیف کرده‌اند، حدود بیست و چهار تن است که ظاهراً قدیم‌ترین مؤلّف امامی در میان آنان، ابراهیم بن صالح انماطی است.[1]

نجاشی دربارهٔ انماطی می‌نویسد: «وی اهل کوفه، ثقه و راوی بی‌اشکالی بود. ابوالعبّاس احمدبن علیّ‌بن نوح به من گفت: کتابهای انماطی، همه، از میان رفته‌است و من تنها کتاب او در موضوع غیبت را می‌شناسم.» (نجاشی، ش ۱۳) دکتر جاسم حسین نیز انماطی را نخستین مؤلّف در موضوع غیبت معرّفی کرده و او را از اصحاب امام باقر علیه‌السلام و واقفی مذهب دانسته است. (همو، ص ۲۱)

لیکن اوّلاً، انماطی صاحب الغیبة از اصحاب امام باقر علیه‌السلام نیست؛ زیرا راوی ابراهیم‌بن صالح انماطی صاحب کتاب الغیبة، عبیدالله‌بن أحمدبن نهیک (از روات ابن‌ابی‌عمیر) است؛ بنابراین، وی در در طبقهٔ ابن‌ابی‌عمیر (از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهماالسلام) جای دارد و با آن ابراهیم‌بن صالح انماطی که شیخ طوسی وی را از اصحاب امام باقر علیه‌السلام دانسته، متفاوت است. (نک: خویی، ج ۱، ص ۲۳۷ ـ ۲۳۹، ش ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳. نیز: طوسی، الرجال، ص ۱۲۴ و برقی، ص ۱۱: اصحاب امام باقر علیه‌السلام؛ طوسی، الرجال، ص ۴۱۴: من لم یرو عنهم؛ همان، ص ۳۵۲، ش ۵۲۱۱: از اصحاب امام رضا علیه‌السلام بدون پسوند انماطی)

ثانیاً، انماطی صاحب الغیبة واقفی نیست؛ زیرا ابراهیم‌بن صالحی که واقفی

۱. از دیگر امامیان متقدّم که کتابی در موضوع غیبت داشته، ابوالفضل العبّاس‌بن هشام (م ۲۲۰) است که نجاشی وی را با عبارت «ثقة جليل في أصحابنا كثير الرواية» ستوده‌است. (نجاشی، ش ۷۴۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

است، انماطی اسدی است. (نجاشی، ص ۲۴، ش ۳۷؛ نیز نک: خویی، ج ۱، ص ۲۳۸ ۲۳۹، ش ۱۸۳)

از آنچه گذشت، روشن می‌شود که اوّلاً، امامیّه پیش از دوران غیبت صغری، کتابهایی در موضوع غیبت تألیف کرده‌اند؛ ثانیاً، امامیّه در تألیف کتب غیبت، بر واقفه تقدّم دارند.

افزون بر اینها، ظاهراً کتابهایی که به دست اصحاب ائمّه در موضوع غیبت تألیف شده، تنها گردآوری احادیث منقول در این موضوع است. این احادیث از دو حال بیرون نیستند؛ یا در آنها امامی که غیبت خواهد کرد، به نام یا وصف، معیّن و مشخّص شده بوده یا نه. در حالت نخست، استفاده شیعیان امامی از روایاتی که مثبت دیدگاه واقفه در موضوع غیبت است (یعنی غیبت امام هفتم)، وجهی ندارد؛ و در حالت دوم، در جایی که به نام یا وصف امام غایب تصریح نشده، اختصاص روایات غیبت به یک مذهب خاص معنا نخواهد داشت؛ چراکه در این صورت، هم واقفه و هم امامیّه برای اثبات دیدگاهشان به قرائنی خارج از روایات غیبت محتاج خواهند بود و صرف این روایات مثبت هیچ یک از دو دیدگاه نخواهد بود.

دکتر جاسم حسین معتقد است که روایات غیبت در اصول حدیثی اصحاب ائمّه، مبهم بوده و در آنها، نام امام غایب نیامده و از زمان آغاز غیبت سخنی نرفته و همین سبب شده که گروههای شیعیان آن روایات را دربارهٔ امامان مختلف به کار گیرند. (حسین، ص ۲۱) ولی ظاهراً این دعوی بی‌دلیل است؛ زیرا در احادیث بسیاری که از اصول حدیثی اصحاب ائمّه بر جای مانده، تصریح شده که غیبت از ویژگیهای امام دوازدهم است؛ همو که قائم موعود و مهدی امّت است. (نک: صافی گلپایگانی، ج ۲، باب سوم)

۲. اعتبار روایات الغیبة نعمانی

بررسی اعتبار روایات الغیبة نعمانی، با بررسی اعتبار مصادر این کتاب، مشایخ وی و شیوهٔ او در گزینش احادیث روشن می‌شود.[1] به نظر می‌رسد که روش نعمانی

۱. استاد سیّد محمّدجواد شبیری زنجانی در سلسله مقالاتی، مصادر و مشایخ نعمانی را در کتاب الغیبة،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

در الغیبة، نقل روایات متعدّد از طرق مختلف تا اندازه‌ای است که به مضمون آنها علم حاصل شود و عناوین مورد نظر وی را اثبات کند. افرون بر این، ظاهراً ملاک نعمانی درگزینش و نقل احادیث، حصول وثوق به صدور آنها از معصوم است و از آنجا که گاه، وثوق به صدور حدیث از معصوم با ضعف راوی، اعمّ از ضعف در روایت یا ضعف در مذهب، منافات ندارد، طبیعی است که در این کتاب، گاه، احادیثی از روات ضعیف نقل شده باشد؛ لیکن تعدّد طرق روایات و وثوق به صدور آنها از معصوم، جبران‌کنندهٔ ضعفهای احتمالی احادیث الغیبة نعمانی است. بنگرید:

و قد جمعت في هذا الكتاب ما وفّق الله جمعه من الأحاديث التي رووها الشيوخ عن أميرالمؤمنين و الأئمّة الصادقين عليهم السلام في الغيبة و غيرها، ممّا سبيله أن ينضاف إلى ماروي فيها، بحسب ما حضر في الوقت؛ إذ لم يحضرني جميع ما رويته في ذلك لبعده عنّي و أنّ حفظي لم يشمل عليه. و الذي رواه الناس من ذلك أكثر و أعظم ممّا رويته و يصغر و يقلّ عنه ما عندي. (نعمانی، ص ۲۹)

نکتهٔ دیگری که از سخنان نعمانی به دست می‌آید، کثرت روایات غیبت و افزونی آنها بیش از مقداری است که او در کتابش نقل کرده‌است. وی در جای دیگری می‌نویسد:

هذا آخر ما حضرني من الروايات في الغيبة و هو يسير من كثير ممّا رواه الناس و حملوه. (همو، ص ۱۹۴)

۳. مشایخ نعمانی در کتاب الغیبة

شمار روایات الغیبة نعمانی در حدود ۴۷۸ و تعداد مشایخ او در این کتاب هجده تن است. اینک نام و وصف مشایخی که نعمانی بیشتر روایات کتابش را از آنان نقل کرده‌است:

← به تفصیل، بررسی کرده‌است. (نک: علوم الحدیث، ش ۳؛ انتظار موعود، ش ۲ و ۳ و ۵ و ۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۱. احمدبن محمّدبن سعیدبن عقدهٔ کوفی: ۱۳۹ حدیث. نعمانی درباره ابن‌عقده می‌نویسد: «این مرد از شمار کسانی است که هیچ کس در وثاقت و دانش ایشان به حدیث و ناقلان آن، خرده نگرفته‌است.» (نعمانی، ص ۲۵) نجاشی و شیخ طوسی نیز در وثاقت و جلالت ابن‌عقده سخنان بلندی گفته‌اند. (نجاشی، ش ۲۳۳؛ طوسی، الفهرست، ش ۸۶)

۲. محمّدبن یعقوب کلینی: ۷۲ حدیث.

۳. محمّدبن همام‌بن سهیل: ۶۴ حدیث. نجاشی دربارهٔ وی می‌نویسد: «**شیخ أصحابنا و متقدّمهم. له منزلة عظیمة. کثیر الحدیث.**» (نجاشی، ش ۱۰۳۲) شیخ طوسی نیز محمّدبن همام را جلیل القدر و ثقه خوانده‌است. (طوسی، الفهرست، ش ۶۱۳)

۴ علیّ‌بن أحمد البَندَنیجی: ۵۶ حدیث. نجاشی و شیخ از وی نام نبرده‌اند که می‌توان علّتش را این دانست که وی صاحب تألیف یا تصنیف مستقلّی نبوده است. این راوی درکتاب منسوب به ابن‌غضائری[1]، تضعیف شده‌است. (خویی، ج ۱۱، ص ۲۵۶، ش ۷۹۱۰)

۵ عبدالواحد بن عبدالله بن یونس الموصلی: ۴۷ حدیث. تَلَّعُکْبَری وی را توثیق کرده است. (طوسی، الرجال، ش ۶۱۸۳ و ۶۱۸۴)

۴. انتساب الغیبة به نعمانی، شناخت نسخه، اعتبار و تداول آن

در آغاز کتاب الغیبة نعمانی آمده است:

حدّثنا الشیخ أبوالفرج محمّدبن علیّ‌بن یعقوب‌بن أبی‌قرة القنانیّ رحمه الله، قال حدّثنا أبوالحسین محمّدبن علیّ البجلّیّ الکاتب (خ ل: حدّثني محمّدبن علیّ ابوالحسین الشجاعیّ الکاتب حفظه الله، قال: حدّثني محمّدبن إبراهیم ابوعبدالله النعمانیّ ـ رحمه الله تعالی ـ في ذي‌الحجّة سنة اثنتین و أربعین و ثلاثمائة قال) و اللّفظ من أصله و کتبت هذه النسخة و هو ینظر في أصله، قال: حدّثنا أبوعبدالله محمّدبن إبراهیم النعمانیّ بحلب.» (نعمانی، ص ۱۸)

۱. صحّت انتساب و اعتبار کتاب رجال منسوب به ابن‌غضائری محلّ تردیدهای جدّی است. (نک: نادری، واکاوی آراء رجالی استاد محمّدباقر بهبودی، سراج منیر، ش ۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

این سند نشان می‌دهد که الغیبة نعمانی از طریق محمّدبن علیّ شجاعی[1]، از ابوالفرج محمّدبن علیّ قنانی، از قائل «**حدّثنا**» در صدر سند، به دست ما رسیده‌است.

بنا بر گزارش نجاشی، ابوالحسین محمّدبن علی شجاعی کاتب، نخستین راوی کتاب الغیبة نعمانی، این کتاب را مستقیماً، به شیوهٔ قرائت بر شیخ، از مؤلّف آن فراگرفته‌است. نجاشی تصریح می‌کند که نسخهٔ شجاعی از الغیبة نعمانی، به دست پسر شجاعی به او رسیده‌است. نجاشی درگزارش این قضیّه، با احترام از شجاعی نام برده و افزوده است که من خود دیدم که شاگردان، کتاب الغیبة نعمانی را در مشهد عتیق بر شجاعی قرائت می‌کردند. (نجاشی، ش ۱۰۴۳)

واسطهٔ دوم ابوالفرج قنانی (یا قنائی) است. نجاشی در شرح حال وی آورده است: «**محمّدبن علیّبن یعقوب‌بن إسحاق‌بن أبی‌قرة، أبوالفرج القنائیّ الکاتب، کان ثقة و سمع کثیراً و کتب کثیراً. و کان یورّق لأصحابنا و معنا في المجالس. له کتب منها... أخبرني و أجازني جمیع کتبه.**» (همو، ش ۱۰۶۶)

بنابراین، به احتمال زیاد، قائل «**حدّثنا**» در آغاز کتاب الغیبة نعمانی، دانشمند و عالم بزرگ شیعه، مرحوم نجاشی است. اِسناد شیخ حرّ عاملی به الغیبة نعمانی مؤیّد این احتمال است. بنگرید: «**و نروي کتاب الغیبة للشیخ النعمانيّ، بالإسناد السابق، عن العلامة، عن أبیه... عن أحمدبن علیّ بن العبّاس النجاشيّ، عن أبي‌الحسین محمّدبن علیّ بن الشجاعيّ، عن أبي‌عبدالله محمّدبن إبراهیم‌بن جعفر النعمانيّ.**» (عاملی، ج ۲۰، ص ۵۸)

محدّث نوری در خاتمة المستدرک پس از ذکر مشایخ حدیث خود، مشایخ مشایخش را بدین ترتیب آورده است: از محدّث نوری تا علامه مجلسی، از علامه مجلسی تا شهید ثانی، از شهید ثانی تا محقّق حلّی، از محقّق حلّی تا مفید ثانی (پسر شیخ طوسی)، از مفید ثانی تا اصحاب مجامیع (یعنی: کراجکی و نجاشی و شیخ

۱. بنا بر تحقیق استاد شبیری زنجانی، «بجلّی» مصحّف «شجاعی» است. (نک: شبیری زنجانی، نعمانی و مصادر غیبت (۱)، ص ۲۵۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

طوسی و سیّد رضی و علم‌الهدی و مفید و ابن‌قولویه و صدوق و نعمانی و ثقةالاسلام و علیّ‌بن بابویه و ابوعمرو کشّی). (نوری، ج ۲ و ۳، الفائدة الثالثة)

بنا بر همهٔ اینها، کتاب الغیبة نعمانی به وسیلهٔ افرادی معیّن، نسل به نسل، روایت شده، تا به دست عالمان پس از نعمانی رسیده است. یکی از این عالمان، محدّث نوری (م ۱۳۲۰ ق) است که نسخهٔ وی، یکی از نسخ مرجع در تصحیح و طبع کتابی است که اکنون به عنوان الغیبة نعمانی در دست ماست. دیگر نسخه‌های مرجع طبع این کتاب مربوط به سده‌های ششم، دهم و یازدهم هجری‌اند. (نعمانی، ص ۱ ـ ۲، مصادر التصحیح)[1]

۵. تداول کتاب الغیبة در میان عالمان شیعه و اعتماد ایشان بدان

دانشمندان شیعه از سدهٔ چهارم تاکنون، به احادیث الغیبة نعمانی، فی الجمله، اعتماد کرده‌اند و به روایات آن در مباحث مربوط به موضوع کتاب، ترتیب اثر داده‌اند. اینک شواهدی از اعتماد قولی یا فعلی دانشمندان شیعه به الغیبة نعمانی، از قرن چهارم تا نهم:

الف) قرن چهارم: شیخ مفید در الارشاد (ج ۲، ص ۳۵۰) در باب «**ما جاء من النصّ علی إمامة صاحب الزمان الثانی‌عشر من الأئمّة**» پس از نقل روایات مربوطه می‌نویسد: «**و هذا طرف یسیر مما جاء في النصوص علی الثانی‌عشر من الأئمّة**علیهم‌السلام. **و الروایات في ذلك کثیرة قد دوّنها أصحاب الحدیث من هذه العصابة و أثبتوها في کتبهم المصنّفة. فممّن أثبتها علی الشرح و التفصیل، محمّدبن إبراهیم، المکنّی أباعبدالله، النعمانیّ في کتابه الذي صنّفه في الغیبة.**»

ب) قرن پنجم: شیخ طوسی در مواضعی از الغیبة خود در نقل روایات، صراحتاً از نعمانی نام برده است. افزون بر این، از مقایسهٔ برخی روایات کتاب الغیبة شیخ طوسی با الغیبة نعمانی، چنین به دست می‌آید که گاه شیخ طوسی بدون یادکرد

۱. دربارهٔ نسخه‌های الغیبة نعمانی و تفاوتهای آنها با چاپ استاد غفّاری، نک: شبیری زنجانی، معرّفی کتاب غیبت نعمانی، ص ۳۸۴ ـ ۳۸۹.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

نعمانی، روایتی را از الغیبة او نقل کرده‌است. (طوسی، الغیبة، ص ۱۲۷ و ۲۵۷)

پ) قرن ششم: طبرسی در **اعلام الوری**، بدون ذکر نام. (نک: طبرسی، ص ۴۴۴؛ نعمانی، ۱۷۲ـ۱۷۳، ح ۷)

ت) قرن هفتم: ابوالفتح اربلی در **کشف الغمّة**. (ج ۲، ص ۲۴۹)

ث) قرن هشتم: علامه حلّی در **المستجاد**. (ص ۲۳۸)

ج) قرن نهم: حسن‌بن سلیمان حلّی در **مختصر بصائر الدرجات** (ص ۱۷۶ و ۱۹۳ و ۲۱۲) و علیّ‌بن یونس عاملی در الصراط المستقیم (ج ۲، ص ۱۷۱ و ۲۳۳ و ۲۶۳)

نتیجه

کتاب الغیبة، در قرن چهارم هجری، به دست دانشمند ارجمند شیعی، ابوعبدالله نعمانی، تألیف شده‌است. این کتاب از طرق معتبر و معتمَد، نسل به نسل، به دست عالمان و محدّثان شیعه، روایت شده و به دست ما رسیده‌است. الغیبة از عصر نعمانی تا کنون، میان دانشمندان امامیّه، متداول بوده و آنان به اخبار این کتاب استناد و اعتماد کرده‌اند. نعمانی اغلب احادیث کتابش را از مشایخ ثقه نقل کرده‌است. وی تصریح نموده که روایاتی را در کتابش آورده که می‌توان آنها را به معصومین علیهم‌السلام نسبت داد. نعمانی با نقل احادیث متعدّد، از طرق گوناگون، نشان داده که اعتقاد به ائمّهٔ دوازده‌گانه و غیبت دوازدهمین امام، اعتقادی اصیل است. او خاطرنشان نموده که احادیث غیبت امام عصر علیه‌السلام بسیار بیشتر از آن اندازه‌ای است که وی در کتابش روایت کرده‌است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. اربلی، علیّ‌بن عیسی. کشف الغمّة. تبریز: مکتبة بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.

۲. امین، سیّد محسن. اعیان الشیعة. بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق.

۳. بهبودی، محمّدباقر. معرفة الحدیث. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.

۴. حسین، جاسم. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عج). مترجم: سیّد محمّدتقی آیت اللّهی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.

۵. حلّی، حسن بن یوسف. المستجاد. نرم افزار مکتبة أهل البیت.

۶. حلّی، حسن‌بن سلیمان حلّی. مختصر بصائر الدرجات. نرم افزار مکتبة أهل البیت.

۷. خویی، سیّد ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث. قم: منشورات مدینة العلم.

۸. سمعانی، عبدالکریم. الانساب. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ ق.

۹. شبیری زنجانی، سیّد محمّد جواد. الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة. علوم الحدیث، شمارهٔ سوم.

۱۰. ـــــــ. نعمانی و مصادر غیبت (۱). انتظار موعود، شمارهٔ دوم.

۱۱. ـــــــ. نعمانی و مصادر غیبت (۲). انتظار موعود، شمارهٔ سوم.

۱۲. ـــــــ. معرّفی کتاب غیبت نعمانی. انتظار موعود، شمارهٔ پنجم.

۱۳. ـــــــ. نعمانی و مصادر غیبت (۴). انتظار موعود، شمارهٔ ششم.

۱۴. شوشتری، محمّدتقی. قاموس الرجال. قم: جامعهٔ مدرّسین، ۱۴۱۰ ق.

۱۵. صافی گلپایگانی، لطف الله. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر. قم: دفتر آیت الله صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ ق.

۱۶. طوسی، محمّدبن الحسن. الرجال. قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ ق.

۱۷. ـــــــ. الغیبة. قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۸. ـــــــ. الفهرست. نجف: المکتبة الرضویّة.

۱۹. عاملی، حرّ. وسائل الشیعة. تهران: اسلامیّه.

۲۰. عاملی، علی‌بن یونس. الصراط المستقیم. نجف: کتابخانهٔ حیدریّه، ۱۳۸۴ ق.

۲۱. مدرّسی طباطبائی، سیّد حسین. مکتب در فرآیند تکامل. تهران: کویر، ۱۳۸۷ ش.

۲۲. مفید، محمّدبن محمّدبن نعمان. الارشاد. قم: کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

۲۳. نجاشی، احمدبن علی. فهرست اسماء مصنفّی الشیعة. قم: جامعهٔ مدرّسین، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. نعمانی، محمّدبن ابراهیم. الغیبة. تهران: مکتبة الصدوق. ۱۳۹۷ ق.
۲۵. نوری، حسین. خاتمة المستدرک. قم: آل البیت، ۱۳۹۷ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]